ملانصرالدین، تفلیس و محیط زاینده آن

انقلاب مشروطه و نهضت‌های فکری برون‌مرز

ژانت آقاری

بازتفسیر اسطوره‌ها و فرهنگ عامه همواره از زانرهای ادبی مهم به شمار آمده است. شعرا و نویسندگان متعدد همچون ماکسین هانک کینگستن و تونی مورسون داستان‌های کهن را به قصد تولید نقدهای اجتماعی جدید بازتفسیر کرده‌اند. کتابی که من و کامران آقاری در دست انتشار داریم با عنوان «ملانصرالدین، ساخت یک رند مدرن» (انتشارات دانشگاه ایندیورو، ۲۰۲۲) مطالعه‌ای است تاریخی درباره این زانر ادبی در میان آذری‌زبان‌های قفقاز جنوبی. همان‌طور که می‌دانیم این منطقه روزگاری بخشی از امپراتوری ایران بود. سپس بخشی از امپراتوری روسیه شد و امروزه کشورهای آذربایجان، ارمنستان و بخش‌هایی از داغستان روسیه را در بر می‌گیرد. کتاب ما به محیط اجتماعی - فرهنگی خاصی که نشریه «ملانصرالدین» از دل آن درآمد، سبک و سیاقی که با آنکه او آن نشریه توانست تمثال رند را برای مخاطبان خود بازتولید کند، و تاثیر گرافیست‌های اروپایی بر کاریکاتورهای نشریه می‌پردازد.

در سال ۱۹۰۶، کروهی از هنرمندان و روشنفکران حکایت‌های ملانصرالدین، این رند معروف خاورمیانه‌ای، را بازتفسیر کردند تا گفتمانی ضداستعماری با تاکید بر اصلاح اجتماعی، سیاسی و دینی شکل دهند. بنیان‌گذار و سردبیر نشریه «ملانصرالدین»، جلیل محمدقلی‌زاده (۱۸۶۶- ۱۹۳۲)، معروف به میرزا جلیل، آموزگار و نمایش‌نامه‌نویس بود. همسر او، حیدیه‌خان جوانشیر، نیز از نیکوکاران آذربایجان و از بانیان فعالان حقوق زنان در آن خطه بود. میرزا جلیل به همراه گروهی از افراد همچون میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر، عبدالرحیم بیک حق‌وردیف، نریمان نریمانوف، محمدسعید اردوبادی، اسکار امانوئیلویچ، یوسف راثر و عظیم عظیم‌زاده اعضای هیئت تحریریه نشریه را تشکیل می‌دادند. همکاری این افراد به شکل‌گیری نشریه‌ای انجامید که آواره آن فراتر از دستاوردهای تک‌تک افراد رفت و مکتب فکر کلی‌ای ادبیات آذربایجانی را شکل داد. هفته‌نامه «ملانصرالدین» با اتکا به فرهنگ عامه، هنرهای بصری، طنز و کاریکاتور به دست ده‌ها هزار مخاطب در جهان اسلام می‌رسید و توانست اندیشه یک نسل را تحت‌تاثیر قرار دهد.

تمثال رند

آنچه در موفقیت نشریه «ملانصرالدین» نقش کلیدی داشت، استفاده خلاقانه سردبیر نشریه از تمثال رند به‌عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی بود. در همین راستا، حکایت‌های عامیانه تمثال رند، از جمله برخی از آنها که از عرف اخلاقی جامعه تجاوز می‌کردند، برای نویسندگان و هنرمندان «ملانصرالدین» به ماده اولیه تبدیل شد. توفیق ابلغه فرزانه سنتی، رایانه دانشمند فیلولوژیک- مجازی نصرالدین، ناشی از واقع‌گرایی کروتسک آن بود: شخصیتی که با شکستن مرزهای مرسوم اندیشه و اخلاق، دورویی واقعیت‌های اجتماعی موجود را برملا کرد و در به سرخوردگی افراد پرافاده، دانشمندان پرنخوت، اشراف سست و بی‌حال و پادشاهان و سلاطین مستبد کم نمی‌گذاشت. با اتکا به این شخصیت فولکلوریک و سایر مجازها اهداف قدرتمندی که ظنز نشریه آنها را نشانه می‌گرفت زمینی می‌شدند به شکلی واقعی با استعاری همراه می‌شدند و به شکلی نمادین کشیده می‌شدند.

خلاقانه‌ترین دوران «ملانصرالدین» دوران شکل‌گیری آن از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ بود. در این دوران کروهی از قوی‌ترین هنرمندان، نویسندگان و شعرا در نشریه مشغول به کار بودند. تفلیس، شهری که محل انتشار نشریه بود، در آن زمان پایتخت اداری و فرهنگی مناطق جنوب غربی روسیه تزاری بود. شهری که هنرمندان زیادی را به خود جذب می‌کرد. شکیر مرکزیان‌های پرثروتی سیاسی بود. شهری چندوجهی که در آن هنرمندان، نمایش‌نامه‌نویسان و روزنامه‌نگاران برون‌مرز (diasporic) روس، آلمانی، ایرانی، ارمنی، لهستانی و... با یکدیگر در تعامل بودند و به تنوع فرهنگی شهر می‌افزودند.

نشریه «ملانصرالدین» در مدت کوتاهی بخش قابل‌توجهی از جهان اسلام را مجذوب خود کرد. موفق‌ترین کروهی و ایران تولد این نشریه را «لحظه‌ای تاریخی» در تاریخ مطلق قلمداد می‌کنند. بااین‌حال، «ملانصرالدین» به‌سرعت با مخالفت‌های سرسختانه‌ای روبه‌رو شد. علمای دینی قفقاز جنوبی و ایران قتاوایی علیه نشریه صادر کردند. اما نشریه از مرزهای قاچاق عبور می‌کرد و به ایران و سایر کشورها می‌رسید.

بسیاری از نویسندگان «ملانصرالدین» همکاری نزدیکی با حزب سوسیال‌دموکرات «همت» داشتند و به خط‌مشی حزب مبنی بر مبارزه برای اصلاح اجتماعی و تقابل با استبداد سیاسی و محافظه‌کاری معتقد بودند. «ملانصرالدین» آموزش سکولار، اصلاح روابط زناشویی و حقوق بیشتر برای زنان و کودکان را روج می‌داد و منتقد رسمی هنجارهای قمعرازی بود. بااین‌حال، «ملانصرالدین» ضدیت دین. این نشریه اولین نشریه در قفقاز جنوبی مسلمان بود که متون دینی را در پرتو هنرهای اجتماعی مدرن بازتفسیر می‌کرد.

شرکفایکی «ملانصرالدین»

یکی از نقاط تمرکز کاب حاضر هنر بصری نشریه «ملانصرالدین» و هنرمندانی است که نقشی محوری در موفقیت نشریه داشتند. تلاقی سنت‌های مدرن هنرهای گرافیکی، نقد برخی مناسک و شعر آذربایجانی در صفحات «ملانصرالدین» گفتمان فرامرزی و حتی دیدی را شکل دادند. در اغلب موارد هنرمندان و نویسندگان «ملانصرالدین» تاثیرات مدرنیستی و سوسیال‌دموکرات را با سنت‌های اومانیستی شعر کلاسیک فارسی درهم می‌آمیختند تا از این طریق خشونت و دوروبی قدرت‌های اروپایی را برجسته کنند و رویه‌های اجتماعی و فرهنگی بومی را به نقد کشند. آثار گرافیکی و کاریکاتورهای ملانصرالدین به سنتی از هرهای نقد تعلق دارند که با آنکه با سایقی از ما هز جاب سیکی اروپایی در قرن هجدهم و نوزدهم شبیه عرب. نشریه «ملانصرالدین» متخصصا از آثار فرانسیسکو گویا و انوره دومیه استفاده می‌کرد اما از هرهای جدیدتر کاریکاتور در نشریه‌های خارج انگلستان، آلمان، و روسیه و همچنین مکتب هنری رئالیسم انتقادی نیز بهره می‌گرفت.

هنرمندان قفقاز جنوبی در اواخر قرن نوزدهم با توسط هنرمندان اروپایی آموزش دیده بودند یا درحالی‌که هنر محلی خود را حفظ می‌کردند. از قواعد هنری اروپایی متاثر بودند. نسل جدیدی از آموزگاران هنر که بسیاری از آنها آلمانی یا لهستانی بودند، در مدارس محلی تفلیس به تدریس مشغول شدند. آنها با تاکید بر مبانی و معماری مشغول بودند. به‌تدریج، رابطه‌ای مثلثی میان انجمن هنرهای زیبای تفلیس، آکادمی هنرهای سن‌پترزبورگ و آکادمی هنرهای مونیخ شکل گرفت. دانشجویان در مدرسه تفلیس تحصیل خود را آغاز می‌کردند. در سن‌پترزبورگ ادامه تحصیل می‌دادند و اگر شایسته بودند، برای تکمیل تحصیلات خود عازم مونیخ می‌شدند.

هنرمندانی که در اواخر قرن نوزدهم به بلوغ می‌رسیدند، چه آنهایی که در گرجستان به دنیا آمده و بزرگ شده بودند، چه کسانی که از اروپا به منطقه مهاجرت کرده بودند، از جنبش‌های گوناگون پیشرو متمایل به جپ الهام می‌گرفتند. هنرمندان نشریه «ملانصرالدین» نیز به این نسل از هنرمندان تعلق دارند. آنها بد اینکه از میراث هنری اروپا متاثر بودند اما منتقد استعمارگری روس‌ها و استیلای اروپایی‌ها بودند و در آن واحد انس و الفت خود را با احساسات جوامع‌شان در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی حفظ کردند.

هنرمندان «ملانصرالدین» اگرچه به ارزش‌های پیشرو روشنگری وفادار بودند، از برخی قواعد مسلط‌دار هنر کاریکاتور اروپایی پیروی می‌کردند. مثلا می‌توان به استفاده آنها از شیءعلم قیافه‌شناسی (physiognomy) در کاریکاتورها اشاره کرد. قیافه‌شناسی مبتنی‌بر این نظر است که چهره یک فرد معرف شخصیت اوست. آنهایی که با تعاریف اروپایی از زیبایی مطابقت داشتند، انسان‌هایی بااندات اخلاقی و کسانی که نقش عضو داشتند یا با معیارهای متداول نازیبا بودند، به لحاظ اخلاقی فاسد قلمداد می‌شدند. البته استفاده از قیافه‌شناسی در نشریه «ملانصرالدین» توجهی ایدئولوژیک داشت نه نزادی. تجار و رهبران سیاسی مخالف یا آموزش مدرن و حقوق زنان با چهره‌هایی نوعا ناخوشایند تصویر می‌شدند. با چشمانی خشمگین، چانه‌هایی بلند و بدن‌هایی فربه که از نخوت، شکم‌بارگی، فساد و به‌طورکلی غیرقابل اعتماد بودن آنها حکایت می‌کرد. در مقابل، علمای دینی، تجار و رهبران سیاسی حامی ایده‌های دموکراتیک با چشمان روشن و چهره‌های زیبا تصویر می‌شدند. از این‌جهت، با اینکه هنرمندان «ملانصرالدین» از قواعد معیوب قیافه‌شناسی استفاده می‌کردند اما با کاریکاتورپردازی که در دوره‌های پیشین مورد استفاده قرار داده بودند، تفاوت بسیار داشتند.

همکاری‌های فراملی و برون‌مرزی

با اینکه تاثیرات نشریه و روشنفکران و هنرمندان قفقاز جنوبی را می‌توان در مرزهای ملی ایران، آذربایجان و گرجستان مشاهده کرد، اما هم تاثیرات و هم افراد به محیطی فراملی و برون‌مرزی تعلق داشتند. در منطقه قفقاز جنوبی، روس‌ها، آذربایجانی‌های قفقازی، گرجستانی‌ها، آلمانی‌ها، ارمنی‌ها، ایرانی‌ها، یهودی‌ها و سایر قومیت‌ها با ادیان، فرهنگ‌ها و مسلک‌های سیاسی گوناگون هروزه با یکدیگر در ارتباط بودند و در قلمروهایی مشترک می‌زیستند. جامعه برون‌مرزی، زندگی در فضاهای بینافرهنگی و مرزهای متقاطع از مضامین غالب ابله فرزانه سنتی، «ملانصرالدین» بودند. «ملانصرالدین» به‌عنوان نشریه‌ای فراملی و دموکراتیک هیچ‌گاه خود را به مسائل محلی مسلمانان آذربایجان و قفقاز جنوبی محدود نکرد بلکه از همان آغاز در مقام سخنگوی سایر جمعیت‌های مسلمان مظلوم و حتی استعمارشدگان اقصی‌نقاط عالم ظاهر شد.

میرزا جلیل، سردبیر نشریه و چند نفر از نویسندگان آن در شاهد فعالیت‌های شیعی آذری‌زبان رشد کرده بودند که قرابت زیادی با ایران داشتند. چند نفر از نویسندگان نشریه برای تفریح، ایجاد کسب‌وکار جدید و بعضا فرار از شرایط سخت سیاسی در امپراتوری روسیه به ایران سفر کردند. از این دوران تفریح‌های کفت «ملانصرالدین» یک نشریه فراملی برون‌مرزی بود که عمیقا از روبه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران متاثر بود. نویسندگان نشریه، همچون بسیاری دیگر، احساس می‌کردند که از یک سو بین علقه‌های دینی، فرهنگی و قومی خود به ایران و تمایل به دنیا و آثار ایران و میراث فرهنگی خود و از سوی دیگر نیاز به جذب‌شدن هرچه بیشتر در جامعه بزرگ‌تر روسیه به‌منظور کسب توفیق شغلی گرفتار شده‌اند. این احساس بیانبیانی‌بودن، احساس حوادث عمیق و پرشور تعلق به اینجا یا اینجا و درعین‌حال درک فقدان کلیعه به تنوان خود را در «خانه» حس کرد، به‌وضوح در سرتوش‌ها و اعتبار نشریه نموده بود.

برخی نظریه‌پردازان فرهنگی همچون حمید نفیسی، استیوارت هال و دیگران بر این‌باورند که جامعه برون‌مرز در این فضای بیانبیانی معلق می‌ماند. هروز با برخورد فرهنگ‌ها مواجه می‌شود و محیور است همواره به نوعی با آن کنار بیاید. برخورد فرهنگ‌ها که نزاع بر سر اصول مذهبی، اشکال سنتی اندیشه و هویت مدرنیته را درپر می‌گیرد، می‌تواند در دو جهت جریان یابد: نخست، واکنش‌های دفاعی متعصبانه را برانگیزد که همه مبتنی بر قانون باشد و هم مبتنی‌بر نیازی به قانون‌گریزی یک به خویشاوند. دوم، برخورد فرهنگ‌ها می‌تواند به نحوی خوشایند به شکل‌گیری پیوندها و منظرهای نوآورانه، چندوجهی و پیشرو منجر شود. به تعلمی نمرخش که دوگانه شرق و غرب را در تمامیت خود بازتولید نمی‌کند بلکه گفتمان جدیدی تولید می‌کند که از هر دو بهره گرفته است. این همان‌چیزی است که به باور ما در «ملانصرالدین» رخ داد.

رخدادهای مهم سیاسی دوره «ملانصرالدین»

نشریه «ملانصرالدین» در شش سال نخست، یعنی اوج خلاقیت خاند جاهد رخداد اجتماعی و سیاسی مهم بود: ۱) انقلاب روسیه در ۱۹۰۶-۱۹۰۵ که به ظهور حکومت مشروطه و مطلقیت آزاد در روسیه انجامید ولی تفاق زیادی دیری داشت؛ ۲) جنگ‌های ارمنی- مسلمان در ۱۹۰۶-۱۹۰۵ در منطقه قفقاز جنوبی که منجر به نابودی و رکاد هدا روسای آذربایجانی و ارمنی شد؛ ۳) انقلاب مشروطه ایران در ۱۹۱۱-۱۹۰۶ که برای نخستین‌بار مجلس و حکومت مشروطه را برای ایران به‌ارمغان آورد؛ ۴) انقلاب ترک‌های جوان در ۱۹۰۸ که قانون اساسی عثمانی را تغییر داد و زمینه‌ی جنبش‌های بعدی را فراهم کرد. «ملانصرالدین» در زمان انتشار تمامی این رویدادهای تاریخی را تحلیل و بررسی می‌کرد.

همه‌کاره در جامعه عصر قاجار بود. به دنبال تغییرات گوناگونی که در کشور ایجاد شد ضرورت ایجاد تغییرات سیاسی نیز فراهم شد. حکومت قانون، عدالت‌خانه، محدودشدن قدرت مطلقه شاه و آزادی فردی از مهم‌ترین خواست‌های مشروطه‌خواهان بود. در آن زمان تحولات جهانی نیز همزمان با جنبش مشروطه درحال وقوع بود و در بیشتر کشورها زمینه این دگرگونی‌ها ایجاد شده بود و بنابراین مشروطیت حاصل یک ضرورت جهانی بود. بحث درباره ناکامی یا دستاوردهای مشروطه و آنچه در ادامه جنبش مشروطه و دوره استبداد صغیر و تحولات بعدی تا روی‌کارآمدن سلطنت پهلوی رخ داد همچنان محل بحث و بررسی پژوهشگران است. به‌مناسبت صدوبانزدهمین سالگرد انقلاب مشروطه، در چهاردهم و پانزدهم مرداد، همایش مجازی دوروزه‌ای با عنوان «مشروطه‌خواهی و تحول مفاهیم بنیادی در ایران معاصر» توسط مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه برگزار شد. سخنران افتتاحیه همایش همایون کاتوزیان و سخنران اختتامیه فرهنگ رجایی بودند و طی دو روز، در یک پنل افتتاحیه و سه پنل «تاریخ‌نگاری انتقادی»، «مفاهیم بنیادی» و «میراث حکومت قانون»، استادان مختلفی به ایراد سخنرانی پرداختند: ژانت آقاری، مینو درایه، عباس قدیمی‌قیداری، علیرضا ملایی‌توانی، قدیر نصری، عارف مسعودی، محسن خلیلی، فاطمه صادقی، مهدی میرابیان، شروین مقیمی، فریدون مجلسی، سیدعلی محمودی، ناصر سلطانی و فردین مرادخانی. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای است از صحبت‌های سخنرانان روز اول این همایش.

همایش «مشروطه‌خواهی و تحول مفاهیم بنیادی در ایران معاصر» با حضور همایون کاتوزیان، فرهنگ رجایی، ژانت آقاری، مینو درایه و دیگران

تاریخ انتقادی مشروطه

۱۱۵ سال از انقلاب مشروطه و امضای فرمان مشروطیت می‌گذرد و بحث درباره این مهم‌ترین رخداد تاریخ معاصر ایران از جنبه‌های مختلف همچنان بین تاریخ‌نگاران و اندیشمندان علوم سیاسی ادامه دارد. شکل‌گیری انقلاب مشروطه حاصل تعارض‌های مختلفی در دوران قاجار بود. ابعاد گوناگون اجتماعی از جمله تحولات سیاسی، حضور قدرت خارجی و ورود سرمایه‌های خارجی به کشور زمینه‌های تغییراتی را فراهم کرد که از آن به‌عنوان ورود مدرنیسم به ایران یاد کرده‌اند. تحولات اقتصادی در آغاز به دنبال عصر امتیازات ایجاد شد که زمینه‌های دگرگونی اقتصادی را فراهم کرد. تغییرات اقتصادی زمینه دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی را به همراه داشت. ازاین‌رو، می‌توان گفت جنبش مشروطه حاصل دگرگونی‌های عمیق و

در سال ۱۹۰۶ قانون اساسی ایران قواعد و روش کاری مبتنی بر قانون برای حکومت تعیین کرد. به‌این‌ترتیب، برای نخستین‌بار در طول تاریخ ایران، حکومت مشروط به مجموعه‌ای از قوانین بنیانی شد که محدوده قدرت اجرایی را مشخص و به‌گونه‌ای دقیق حقوق و وظایف دولت و جامعه را تعیین می‌کرد. چنین انقلابی هرگز در اروپا روی نداده بود. زیرا اعمال قدرت در جوامع اروپایی همواره تابع محدودیت‌های قانونی بود. هر اندازه هم که حکومت‌ها مقتدر بودند و هر اندازه دامنه قوانین ناظر بر روابط دولت و جامعه و روابط میان طبقات اجتماعی محدود و ناعادلانه می‌بود، باز هم این محدودیت‌ها اعمال می‌شد. در اروپا حتی در چهار قرن حکومت مطلقه که بر سراسر این قاره از انگلستان تا روسیه حکم می‌راند. (در برخی از کشورها کمتر طول کشید، مثلا در انگلستان ۲۰۰ سال بیشتر طول نکشید، در فرانسه نزدیک ۳۰۰ سال و...)، اعمال قدرت دولت تابع محدودیت‌هایی بود. هرچند در روسیه در قیاس با غرب این محدودیت‌ها کمتر بود. انقلاب‌هایی که در اروپا روی داد هیچ‌گاه در طلب قانون نبود. بلکه خواستار تعمیق قوانین موجود و گسترش دامنه این قوانین یا عادلانه‌ترکردن آنها بود.

انقلاب مشروطه آرام‌آرام از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد. شکست ایران از روسیه و تماس بیشتر با این کشور و سایر قدرت‌های اروپایی، خاصه انگلستان، دریچه‌ای کاملا جدید بر چشم نخبگان جامعه ایران گشوده بود. پیروزی بر بیگانگان یا شکست‌خوردن یا حتی رفتن به زیر سلطه بیگانگان رویدادی آشنا در تاریخ این کشور بود. تحمل اجباری و پذیرش سنت‌ها، عرف و عادت و تولیدات و کالاهای بیگانه نیز چیز بی‌سابقه‌ای نبود و پیشینه‌ای دیرینه داشت. مشکلی که بدل به دغدغه فکری فرمانروایان قاجار و نخبگان روشن‌اندیش خندکنرار آن‌ان ماند عباس‌میرزا نایب‌السلطنه امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار و یارانشان نبسه بود. فقط شکست در جنگ و درماندگی در صلح نبود. مسئله اصلی تکنولوژی و نهادهایی بود که مدعیان و رقیبان نوآمده در اختیار داشتند و برای ایرانیان ناشناخته بود و همین تکنولوژی و نهادها چنان برتری به بیگانگان می‌داد که بیشتر از امکانات و فنون سنتی با آن برابری نمی‌کرد.

تجدیدطلبان پیشگام پیش از هرچیز در پی دستیابی به تکنولوژی جدید و تشکیلات نظامی جدید بودند. به این منظور دولت دانشجویانی به اروپا فرستاد و چندین سال بعد هم دارالفنون را تاسیس کرد. توجه به عقب‌افتادگی تکنولوژی احتمالا زمانی به اوج رسید که مستشارالدوله اعلام کرد ساختن راه‌آهن کلید توسعه ایران است. اما همین دولتمرد کمی بعد در عین اعتقاد به اهمیت راه‌آهن به این نتیجه رسید که قانون بعدی برچیدن‌بساط استبداد اساسی‌ترین ضرورت جامعه است. ناصرالدین‌شاه از اهمیت و احتمالا ضرورت اصلاحات آگاه بود. او برخلاف جدش فتحعلی‌شاه دیگر به این اعتقاد نبود که فقدان حکومت استبدادی تداوم قاجار ماند. همه ادوار تاریخی در ایران سبب هرج‌ومرج و آشوب می‌شود. خود سه بار به اروپا سفر کرده بود. حکومت نظام‌مند و کارآمد آن را دیده بود. حتی بعد از سفر سوم به زبان خود اعتراف کرده بود که تمام نظم و ترقی اروپا در کروقانون است. همچنین شورایی از اعیان و اشراف را مامور کرده بود تا بنشیند برای مملکت قانون وضع کند؛ اما این اقدام عمری بیش کوتاه حتی کوتاه‌تر از عمر اصلاحات سپهسالار داشت و درواقع هیچ ثمری به بار نیاورد.

باری دیری نگذشت که تلاش برای راه قانون و تجدد که از نظر نخبگان جامعه رابطه‌ای مستقیم با هم داشتند به‌صورت شورش درآمد. میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در لندن بنای انتشار روزنامه قانون را گذاشت که مخالف شاه و هوادار حکومت مشروطه بود و مخفیانه به مملکت وارد می‌شد و درواقع این اندیشه میان نخبگان جامعه بسیار مؤثر بود. ملکم فرزند بزی ارمنی و نامسلمان بود و سال‌های دراز که بخش عمده‌اش در دوران نابلئون سپری گذشت. در زمانی تحصیل کرده بود تا از امتیاز تاریخ گویا اصلاح‌طلب همراه سپهسالار بود. او هنگام دیدار رسمی ناصرالدین شاه از اروپا به سال ۱۸۸۹ قانون اساسی را در لندن بود. بعد از بازگشت شاه به ایران مبانه این دو ظاهرا بر سر مسائل مالی به هم خورد و شاه او را از مقام وزیر مختاری برکنار کرد. سخنان او نقش مهمی در فرمان مشروطیت داشت. او تلاش در لندن در این بررسی کوتاه نمی‌گنجد اما اگر حتی او را به فساد مالی متهم کنیم، باز هم رهبر بطی به عقاید و تلاش‌های اصلاح‌طلبانه‌اش ندارد. همچنان که متهم‌شدن میرزا و دانتون به فساد مالی رهبلی به نقش آنها در رهبری انقلاب فرانسه نداشت. ملکم در لندن ماند و به انتشار روزنامه بسار مؤثر قانون پرداخت و ماه‌ها پیش از یکی از مردان او میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله که از او جای دیگری نام برده، کلیتی با عنوان «یک کلمه» منتشر کرد و این یک کلمه که قرار بود همه مشکلات عمده مملکت را حل کند، همانا قانون بود.

ملکم خان و سلطنت مطلقه مظفر

در حوالی سال ۱۸۶۰ ملکم‌خان نوشته اصلاحات قانونی خود را به‌گونه‌ای مضطل و جامع به ناصرالدین شاه عرضه کرد بود. آن‌هم ظاهرا به شاه خوش آمده و شاه دندکی پس از شکست محاصره هرات و سپس عهدنامه صلح پاریس که با دیگر بعد از جنگ‌های ایران و روس ناتوانی ایران را نیز آشکار کرد. این نخستین برنامه اصلاحات قانونی در سراسر تاریخ ایران بود. مهم‌ترین ویژگی این برنامه تمایزی است که میان سلطنت مطلقه و حکومت استبدادی قائل می‌شد.

ملکم در آغاز رساله خود می‌گوید دو نوع سلطنت داریم: سلطنت مطلقه تابع حقوق است و امپراتوری اتریش و سلطنت معتدل مثل حکومت انگلستان و فرانسه. آنگاه سلطنت مطلقه را نیز به دو نوع تقسیم می‌کند: نخست سلطنت مطلقه که نمونه آن حکومت روسیه و اتریش بود و نوع دیگر سلطنت مطلقه غیرمنظم است. ملکم‌خان نمونه این نوع سلطنت را نام نمی‌برد اما بدایست که منظور او حکومت استبدادی است. او می‌گوید سلطنت معتدل، یعنی سلطنتی که هم مبتنی بر قانون باشد و هم مبتنی‌بر نیازهای زمانه. ازنظر او این‌دو یک چیز که ما نیاز داریم سلطنت مطلقه منظم است؛ یعنی حکومتی که مبتنی بر قانون باشد. نوعی سلطنت مطلقه که در آن شاه اختیار وضع قانون دارد اما اجرای قانون و اداره مملکت بر عهده تشکیلات اداری مناسب و مسئول یعنی هیئت وزیران است.

با توجه به اینکه ملکم در پی اصلاحات از بالا و به دست فرمانروایی مستبد بود، این برنامه را به‌راستی باید خوشمندانه بخوانیم. در ایجاد نمایز اساسی میان حکومت مطلقه و حکومت استبدادی است با این توضیح که حکومت مطلقه درواقع معتدل‌تر از حکومت استبدادی است؛ اما ملکم آنجا که به کارگرد قانون‌گذاری و اجرائی دولت می‌رسد، تشکیل یک شورای قانون‌گذار و اجرائی را پیشنهاد می‌کند که مناصبی بالاتر از حمله وزارت کمرکات و اجرای قانون را به این صورت تفویض می‌کند. ملکم اگرچه پیش‌نویس جامعی از قانون اساسی یا دقیق تنظیمات عرضه می‌کند که به موجب آن قانون دولتی و مذهبی باید در شورای قانون‌گذاری به‌صورت مضعف و مکتوب درآید. وزیر باید مستقل و مسئول باشد. همچنین را نمی‌توان بازداشت کرد مگر به حکم قانون. اعمال هیچ‌کس را نمی‌توان مصادره کرد. مگر به حکم قانون. اخذ مالیات باید براساس ضوابط قانونی باشد. حکایت توجه ایجاد ملکم در پوشش اطمینان‌بخش سلطنت مطلقه منظم است اما این را زیرکانه در دفتر تنظیمات خود گنجانده که مردم اصول مندرج در آن را سرچشمه می‌گیرد.

تحریم تنباکو؛ نخستین مشروطه

شورش علیه امتیاز تجارتی تنباکو ایران در سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۲ درواقع مقدمه و تمرینی برای انقلاب مشروطه بود. شاه امتیاز انحصاری تجارتی دخانی و خارجی تنباکو را به شرکتی انگلیسی به نام تالبوت واگذار کرده بود. تجار و کسبه هم به سبب مطالع مستقیم آن دسته که در خرید و فروش تنباکو دست داشتند و هم به علت مطالع مشرف صنفی سخت ناراضی بودند. زیرا این اقدام ممکن بود راه را برای دادن امتیاز در سایر زمینه‌های سودآور به خارجیان باز کند. این مسئله که امتیازنامه تالبوت شامل تجارت تولید و داخلی نیز بود به‌خصوص هشداری بود برای تجار. بیشتر علما فراخوان تجار را برای اعتراض به این امتیازنامه پذیرفتند و کار زمانی بالا گرفت که فتوای حاج میرزاحسن شیرازی مرجع تقلید شیعیان که ساکن سامرا بود و مصرف تنباکو را تحریم می‌کرد منتشر شد. البته فتوای یادشده را شخص میرزای شیرازی امضا کرده باشد و اثرات و بازتاب بلزیکی‌ها که رفاهت میان علمای ستنی رایج باشد. بعد از حاج میرزا حسن آشتیانی، متقدترین مجتهد تهران و درگذشت سیدعلی‌اکبر نفرشی که کمی بعد رخ داد و هم شیخ فضل‌الله نوری و هم سیدعبدالله بهبهانی سودای آن داشتند که به‌عنوان مجتهد اعلم تهران شناخته شوند. نوری و سیدابوالقاسم امام‌جمعه و چند تن از روحانیون سرشناس علیه به حمایت از امتیاز انحصاری تنباکو اعلامیه و اتفاق آنکاه به ایران رسید که تجمع مردم تهران از کاخ سلطنتی به خاک و خون کشیده شد. سرانجام شاه امتیازنامه را لغو کرد و پذیرفت که مبلغ ۵۰۰ هزار تومان غرامت به تالبوت بپردازد. امتیازی که قرار بود سودی به شاه برساند زیان کلانی برای او در بی آورد.

مرگ ناصرالدین‌شاه هرج‌ومرج و آشوب فزاینده‌ای در پایتخت و ولایات بدید آورد و این بدیدهای رایج بود که همواره در پی مرگ شاهی مقتدر پیش می‌آمد. مظفرالدین شاه جانشین او مردی نیک‌نفس اما ضعیف و بی‌اراده بود و بازیچه دست اطرافیان، خاصه درباریان نزدیک به خودش. شخص شاه روزی به همین نزدیکان گفته بود که در زندگی فقط دو اشتباه کرده است. انقلاب روی‌آوردن به قانون برای من دو بدعت ضعیف باشد. اگرچه توزع آرمان و برنامه انقلاب ممکن است همراه با زیان‌هایی باشد. در تاریخ ایران ضعف دولت همواره با خشونت همراه بود. زیرا دولت حتی در دوران آرامش معمولا مقتدر مردم و جامعه مستقر نبود. هیچ شورش یا مشکلی در تاریخ ایران سرکوبی فراموش‌ناپذیر مستبدانه و نشاندن حکام دادگر مستبد به جای او بود. زیرا حکومت استبدادی حاکم به شمار می‌آمد، بنابراین صورتی و گریزناپذیر می‌نمود. این‌باز چنان‌که اشاره کردیم دریچه‌ای که از اروپا باز شده بود. بدیلی بسیار جذاب در برابر این نظم استبداد بدین شیوه نمی‌نهاد و از حکومت قانونمند و مشروط بود. کار به آنجا کشیده بود که شاهزاده ظل‌السلطان برادر برترش شاه که به‌هجوری کرانبای‌های دموکراتیک داشت، بعد از دیدار از پاریس گفت: «ما وجودی که می‌توانند آزادی است و همچون اروپا و هرکه حرف جنس نیست. در این مملکت یک نفر آدمی، حتی شاه خواه گدا، خواه متمول، خواه آقا، خواه توکر، هرکسی کتاب قانون را کوبد در بغل دارد و مدنظر دارد و می‌داند که کریبانش از کتاب قانون خلاص نیست. قدرت پلیس و نظم و ترتیب پلیس دیدنی است نه شنیدنی.»

باید قون نوزدهم همزمان با ضعف و زوال دولت و ضعف و فروپاشی سایه سلاطین و محترم به‌سختی مجروح شد. ضعیف بر جایش نشسته بود. بینش مقامات حکومت در مرکز حتی بیشتر از معمول مردمانی خوجوده و نگران کسب قدرت و انباشتن جیب خود بودند. مظفرالدین دیگر یمنی از مرکز نداشتند و حتی بیش از گذشته ستم می‌کردند و قبایل و عشایر هرگاه فرصتی می‌یافتند در بابخ بیداد دست به بیداد می‌زدند. عین‌الدوله حکم تهران در اوریل سال ۱۹۰۳ روزانه مبلغ ۱۰۰۰ تومان از دو ضلع نانوا و قصاب دریافت می‌کرد. نان و گوشت هر دو کمیاب بود و گران. گروهی از زنان جلوی کالسکه شاه و حاکم تهران را می‌گیرند و شکایت می‌کنند. حاکم دستور می‌دهد زنان را بزنند و پراکنده کنند. این شعر در تاریخ مشروطه است. در تاریخ رسمی می‌خوانیم که اتابک امین‌السلطان در طول پنج سال صدارت خود ۱۷ بار کل از روسیه گرفت. بخشی از این وام‌ها صرف مخارج سفر پرهزینه و بی‌فایده شاه به اروپا شد اما در نجات دولت از ورشکستگی هیچ مؤثر بود. هرچند بسیاری از مردم اعتقاد داشتند که هر دو وام هدر رفته و بخشی هم به جیب نخبگان درآمده است.

علاوه بر این اتابک را مسئول افزایش نارضایتی مردم از اقدامات گروه جدیدی از کارشناسان بلژیکی می‌دانستند که برای اداره گمرک ایران به ایران آمده بودند. در تهران و تبریز و اصفهان اعتراضاتی علیه اتابک برپا شد. ریاست سر مامورین بلژیکی گمرک بر عهده زوزف نوز بود که اعتماد زیادی به او نداشت. تجدید نظر مامورین بلژیکی در تعرفه‌های گمرکی این اتهام را متوجه آنان کرد که مقامات مافع روسیه‌اند و برخلاف منافع انگلیس‌ها و ایرانیان عمل می‌کنند. این اتهام دلایلی استوار داشت و اگرچه بلژیکی‌ها برای دلجویی از انگلیس‌ها چاره‌ای اندیشیدند نارضایتی ایرانیان شدت گرفت و باید به نفرت شد. اتابک نیز که در نظر مردم چیزخوار بود هم به آمار اجرای عمومی شد. در آستانه انقلاب مشروطه پیدائشن عکسی که نوز و سایر بلژیکی‌ها را در مجلس بامامیه‌ای با لباس روحانیون شان مدد آتش خشم مردم را برای اعلام آیه‌ها سایه‌های سیاسی و اقتصادی داشتند تیزتر کرد. هرچند این عکس متعلق به سال ۱۹۰۳ بود اما بسیاری از آن بود.

اتابک در سپتامبر ۱۹۰۲ از صدارت برکنار شد و عین‌الدوله یکی دو ماه بعد به جای او نشست. عین‌الدوله و امین‌السلطان تا ثانی جان با هم رقابت می‌کردند حتی زمانی که عین‌الدوله بر جای رفیق نشست و اتابک به سفر دور دنیا رفت. هواداران عین‌الدوله علیه امین‌الدوله تبلیغ می‌کردند. علیت نامتمرکز نهادهای مدعی شیعه سبب شد وجه که رفاهت میان علمای ستنی رایج باشد. بعد از مرگ حاج میرزا حسن آشتیانی، متقدترین مجتهد تهران و درگذشت سیدعلی‌اکبر نفرشی که کمی بعد رخ داد و هم شیخ فضل‌الله نوری و هم سیدعبدالله بهبهانی سودای آن داشتند که به‌عنوان مجتهد اعلم تهران شناخته شوند. نوری و سیدابوالقاسم امام‌جمعه و چند تن از روحانیون سرشناس علیه به حمایت از امتیاز انحصاری تنباکو اعلامیه و اتفاق آنکاه به ایران رسید که تجمع مردم تهران از کاخ سلطنتی به خاک و خون کشیده شد. سرانجام شاه